

A Sociological Analysis of the Causes for the Establishment and Consolidation of the Shi'a School of Thought in Safavid Iran: Contexts and Functions

Seyyed Kamal Sajjadi¹

Seyyed Mohammad Saghafizadeh²

Hossein Aghajani Marsa³

(Received on: 2025-04-28; Accepted on: 2025-09-10)

Abstract

This research provides a sociological analysis of the causes underlying the establishment and consolidation of the Shi'a school of thought in Safavid Iran, with attention to [historical] contexts and [social] functions. At the beginning of his reign in 907 AH/1501 CE, Shah Ismail I declared Twelver Shi'ism as the state religious denomination, thereby altering the religious orientation of the Iranian people and ushering in a profound transformation in Iranian society. The promotion of Shi'ism during this period unified Iran, rendered it cohesive and resilient against external invasions—particularly from the Ottomans, Uzbeks, and even the Portuguese—and inaugurated a new chapter in the endurance of the Iranian state and nation. The aim of this study is to present a sociological analysis of how the Shi'a religious denomination was established and consolidated during the Safavid era, and to examine the relevant variables within the framework of functionalism. For this purpose, a library-based method and the study of documents and authoritative texts were employed. Following the institutionalisation of the Twelver Shi'a faith, Shi'a scholars and jurists played an influential role within the state structure, while the Safavid monarchs, in turn, harnessed the capacities, resources of jurisprudence (*fiqh*), sacred law (*shari'a*), independent

1. PhD Candidate, Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Email: seyyedkamalsajjadi@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author) . Email: sf.saghafi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: a_marsa1333@yahoo.com

reasoning (*ijtihād*), and Shi'a discourse to strengthen the foundations of the Safavid polity. In this research, the Safavid state is conceptualised as an integrated whole and a system, and its function in formalising and promoting the Shi'a religious denomination is examined through the analytical lens of social systems and the method of structural functionalism. The outcome of this research is a sociological analysis of the causes for the establishment and consolidation of the Shi'a religious denomination in Safavid Iran, and the identification of the independent variables that influenced this process.

Keywords: Twelver Shi'ism, the Powerful Safavid State, National Identity, Functionalism Paradigm.

تحلیل جامعه‌شناختی علل استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران عصر صفوی (زمینه‌ها و کارکردها)

سید کمال سجادی^۱

سید محمد ثقفی زاده^۲

حسین آقا جانی مرسا^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹]

چکیده

در این پژوهش علل استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران دوره صفوی با توجه به زمینه‌ها و کارکردها مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار گرفته است. شاه اسماعیل اول صفوی در آغاز حکومت خود در سال ۹۰۷ ق با اعلام رسمیت شیعه امامیه مسیر مذهب مردم ایران را تغییر داد و جامعه ایرانی تحولی عمیق را شاهد بود. ترویج تشیع در این دوران، ایران را متحد، منسجم و مقاوم در برابر تهاجمات خارجی - به ویژه از سوی عثمانی‌ها، ازبک‌ها و حتی پرتغالی‌ها - ساخت و فصل نوینی در پایداری ملک و ملت ایران گشود. هدف این تحقیق، ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از چگونگی استقرار و قوام مذهب شیعه در دوره صفوی و بررسی متغیرهای مرتبط با آن در چارچوب کارکردگرایی است. در این راستا، روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و کتب معتبر به کار گرفته شد.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران seyedkamalsajjadi@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sf.saghafi@gmail.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

a_marsa1333@yahoo.com

با نهاده شدن مذهب امامیه، علما و فقهای شیعه در ساختار حکومت، نقشی مؤثر ایفا کردند و سلاطین صفوی نیز از ظرفیت‌ها، امکانات فقه، شریعت، اجتهاد و گفتمان تشیع در تحکیم اساس نظام صفویه بهره بردند. در این پژوهش حکومت صفویان به صورت یک کل و یک نظام در نظر گرفته شده و با ابزار تحلیلی نظام اجتماعی و با روش کارکردگرایی (ساختاری) کارکرد آن در رسمیت و ترویج مذهب شیعه بررسی شده است.

نتیجه این تحقیق، ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از علل استقرار و قوام مذهب شیعه در دوره صفویه در ایران و شناسایی متغیرهای مستقل مؤثر در این موضوع است.

واژگان کلیدی: شیعه امامیه، دولت مقتدر صفویه، هویت ملی، پارادایم کارکردگرایی

مقدمه

تحلیل جامعه‌شناختی علل استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران دوران سلسله صفوی با توجه به زمینه‌ها و کارکردها، موضوع نسبتاً جدیدی است که تاکنون به تفصیل به آن پرداخته نشده است. مذهب شیعه تاریخ پرفراز و نشیبی را سپری کرده و در ایران به صورت یک اقلیت حضور داشته است؛ اما پس از فروپاشی حاکمیت عباسیان و تشکیل حکومت‌هایی با گرایش شیعی، رشد کرد و ترویج مذهب تشیع سرعت گرفت. شاه اسماعیل با اعلام رسمیت شیعه آغازگر یک انقلاب در باورهای مذهبی مردم ایران شد.

این پژوهش به بررسی چگونگی رسمیت یافتن و تداوم مذهب تشیع در دوره حکومت صفویان می‌پردازد و با تحلیل متغیرهای ده‌گانه مؤثر در جامعه ایران عصر صفوی، از نظریه کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری به عنوان چارچوب نظری جامعه‌شناسی بهره می‌گیرد.

بیان مسئله

استقرار، قوام و به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه در عصر صفویه، موضوعی مهم است که تحت تأثیر متغیرهای مختلف قرار دارد و چگونگی آن همواره مورد سؤال و بررسی محققان بوده است.

بررسی علل و عوامل استقرار مذهب شیعه در ایران از نگاه جامعه‌شناختی مسئله‌ای است که تاکنون به آن کمتر توجه شده؛ به همین خاطر، چگونگی رسمیت یافتن شیعه و بررسی متغیرهای مرتبط با آن و علل وقوع آن، با توجه به زمینه‌ها و کارکردها از منظر جامعه‌شناختی می‌تواند نتایج و مطالب قابل توجهی را عرضه کند.

موضوع رسمیت یافتن شیعه در عصر صفوی فصل‌های مهمی از صفویه‌شناسی را به خود اختصاص داده است. موضوع تشیع در این دوران، در صورتی که از دیدگاه جامعه‌شناختی به طور

جامع مورد بررسی قرار گیرد، می‌تواند راه‌گشای محققان علاقه‌مند باشد تا ابعاد گسترده‌تری از رسمیت، نهادینه شدن، آثار و نتایج آن، گفتمان شیعه و علل جامعه‌شناختی رواج شیعه روشن شود و به برخی مناقشات موجود در این زمینه پایان داده شود.

رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوره آغاز سلسله صفوی به عنوان یک مذهب و ایدئولوژی رسمی دولتی، و گسترش سریع آن در بخش‌های گسترده‌ای از کشور ایران، از دیدگاه جامعه‌شناسی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. متغیرها و علل و عواملی که زمینه‌ساز استقرار شیعه و قوام این مذهب در کشور شده است، می‌تواند مسیر تحقیقات و پژوهش‌های بعدی را فراهم آورد. تشیع با رسمیت یافتن در ایران، در قوام و تحکیم و تداوم قدرت صفویان نقش و کارکرد سرنوشت‌سازی را ایفا کرد که در این پژوهش به آن توجه خاص شده است.

اهمیت و اهداف تحقیق

موضوع رسمیت یافتن مذهب شیعه که در آغاز حکومت شاه اسماعیل اول صفوی در سال ۹۰۷ق (۸۸۰ش) و به دستور وی در تبریز اعلام شد، موضوعی مهم است و توجه ویژه محققان، به ویژه جامعه‌شناسان و صفویه‌شناسان را به خود جلب کرده است. توجه به صفویه‌شناسی و شیعه‌شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، افزایش یافت؛ اما از نگاه جامعه‌شناختی به نقش گفتمان شیعه و اجتهاد در این دوره، توجه لازم نشده است. ویژگی این تحقیق، به سبب تحلیل جامعه‌شناختی علل استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران عصر صفوی، اهمیت ویژه‌ای دارد. ابهام‌ها درباره نقش تشیع در دوره صفوی و تفسیرهای گوناگون و گاه متناقض درباره رسمیت یافتن، شیوه رواج آن و روابط متقابل نهاد دین و سیاست براساس آموزه‌های شیعی، ضرورت بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌ها و کارکرد تشیع در این دوره را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

موضوع مهم دیگر این است که مراکز تحقیقاتی اسلام‌شناسی و مطالعات دینی جهان که درباره شیعه پژوهش می‌کنند، نسبت به رسمیت یافتن شیعه و نفوذ فکری و سیاسی علمای شیعه در دوران سلسله صفویه، علاقه و توجه خاص نشان می‌دهند. بنابراین، بررسی علمی و تحلیلی جامعه‌شناختی درباره این موضوع، همان‌گونه که هدف این تحقیق است، با استقبال و اعتنای این مراکز مواجه خواهد شد.

در این پژوهش علل و عوامل جامعه‌شناختی در بروز و استقرار مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی و ایدئولوژی سیاسی که در حکومت دوران صفویه نقش مؤثر داشته است، تحلیل و بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

در آثاری که تحت عنوان صفویان و صفویه‌شناسی شناخته می‌شود بخشی را به مذهب شیعه و به عنوان ادبیات و پیشینه پژوهش می‌توان ذکر کرد که به نمونه‌هایی از آثار محققان ایرانی و خارجی اشاره می‌شود:

۱. کتاب صفوة الصفاء، تألیف درویش توکلی ابن اسماعیل معروف به ابن بزاز، از مریدان شیخ صفی‌الدین اردبیلی که درباره زندگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی مطالبی در آن درج شده است.

۲. کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی (۱۳۷۷ش)، تألیف اسکندر بیگ ترکمان (منشی) که ارزشمندترین اثر دوره صفویه است.

۳. کتاب تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در عصر صفویه (۱۳۹۴) که عبدالحسین نوایی و عباسقلی غفاری فرد نوشته‌اند.

۴. کتاب تشیع صفوی و تشیع علوی، اثر علی شریعتی که به موضوع شیعه در دوره صفویه پرداخته است.

۵. کتاب مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی (۱۳۸۰)، نوشته سیدهاشم آقاجری.
۶. کتاب مقاومت شکننده، نوشته جان فوران که به اوضاع ایران و تشیع و حکومت صفویه پرداخته است.
۷. کتاب ایران عصر صفوی، اثر راجر سیوری، محقق انگلیسی.
۸. کتاب نظام سلطانی، نوشته سیدمحسن طباطبایی فر که به تحلیل اندیشه سیاسی شیعه در دوره صفویه می‌پردازد.
۹. غربی‌ها کتاب‌هایی تحت عنوان سفرنامه درباره اوضاع سیاسی، مذهبی و فرهنگی عصر صفوی نوشته‌اند که می‌توان به سفرنامه‌های آنتونی جین کین سون، برادران شرلی، ون گارسیا، پیترو دل‌واله، آدام اولئاریوس، ژان شاردن، تاورنیه، کمپفر، کرونیسکی و سفرنامه سانسون اشاره کرد.

چارچوب نظری

علم جامعه‌شناسی در تمام مراحل خود همواره با نظریه سروکار دارد و می‌توان گفت نظریه، قلب پژوهش‌های جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. بنابراین، مبانی یا چارچوب نظری و مفهومی برای پژوهش، ضروری است. هر پژوهشی نیازمند به بررسی‌های نظری موجود و ارائه چارچوبی است که قابلیت و اعتبار داشته باشد و در عین حال، امکان بررسی موضوع در یک جامعه و دوره مشخص (در این تحقیق عصر صفویه مدنظر است) را داشته باشد.

چارچوب نظری، پایه‌ای است که تمام طرح پژوهش بر روی آن سوار است و براساس مبانی نظری (نظریه‌های صاحب‌نظران) کارهای پژوهشی پیشین و دانش و تجربه پژوهشگر تنظیم می‌شود. پژوهشگران رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی باید به مکاتب یا نظریه‌پردازی که در ارتباط با موضوع پژوهش آن‌ها نظریه‌پردازی کرده‌اند، مراجعه کنند و پس از بررسی و نقد آن‌ها چارچوب

نظری پژوهش خود را انتخاب و تلفیق کنند (ساعی، ۱۳۹۵: ص ۱۵). مبانی نظری، یک ابزار تحلیلی با متغیرهای گوناگون و متون متنوع است که می‌تواند نظریه‌ها را سامان‌دهی کند. در این تحقیق از پارادایم^۱ و نظریه کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شده است.

اکثر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی نظیر جرج ریتزر^۲ و آنتونی گیدنز^۳ جامعه‌شناسی را علم چندپارادایمی و چندانگاره‌ای می‌دانند که هر حوزه نظری حاوی تعدادی مکتب و هر مکتب، تعدادی نظریه دارد. به عنوان نمونه در پارادایم واقعیت اجتماعی، در واقع تمامی واقعیت‌گرایان اعم از تضادگرایان، کارکردگرایان، ساختارگرایان و جامعه‌شناسان اقتصادی هم به بررسی مناسبات بین واقعیت‌ها و هم به بررسی تأثیرات این واقعیات بر انسان می‌پردازند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ص ۳۸).

پارادایم کارکردگرایی

هر پارادایم دارای سنت عقلانی طولانی و پراز مفاهیم مختلف است و بصیرت‌هایی را خلق می‌کند که می‌توانند تولید نظریه کنند و موضوعات زیادی را بررسی کنند. پارادایم کارکردگرایی از یک توسعه تاریخی برخوردار است و از زمان بنیان‌گذاران و پیشگامان جامعه‌شناسی تاکنون، مورد توجه شمار زیادی از پژوهشگران قرار گرفته است.

مفهوم کارکردگرایی^۴

کارکردگرایی به معنای انجام یک وظیفه تعریف شده است و در زبان فارسی معادل‌هایی مانند نقش، عمل، خدمت، وظیفه و همچنین نتیجه یا اثر نیز دارد.

1. Paradigm.

2. Ritzer, George.

3. Giddens, Anthony.

4. Functionalism paradigm.

خدمت در یک نظام اداری، وظیفه و کاری است که هر یک از اعضا در این نظام انجام می‌دهد. در واقع، کار یک نهاد در کل کار جامعه تأثیر مستقیم دارد و برای درک این روابط متقابل است که مفاهیم ساخت و نظام را کارکردگرایان به کار می‌گیرند. استفاده از مفهوم ساخت آن قدر اهمیت یافت که بینش جدیدی به نام «کارکردگرایی ساختی یا ساختاری» به وجود آمد و در آمریکا طرف‌دارانی پیدا کرد (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۲۱۸).

کارکردگرایی از بحث‌انگیزترین پارادایم‌ها و دیدگاه‌ها در جامعه‌شناسی محسوب می‌شود و همه بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی از جمله کنت،^۱ اسپنسر،^۲ دورکیم،^۳ ماکس وبر،^۴ پارسونز،^۵ مرتون^۶ و جفری الکساندر^۷ از آن بهره بردند.

تحلیل کارکردی یک ابزار برای تحقیقات جامعه‌شناسی است و ارتباط محکمی بین تحلیل کارکردی و نظریه‌های سیستم وجود دارد (Turner, 2016:107). بررسی‌ها نشان می‌دهد که رابرت مرتون و جفری الکساندر از میراث کارکردگرایی بهره بردند.

اما جان کلام فونکسیونالیزم بسیار ساده است؛ یک کل مرکب از اجزا است؛ اجزایی که آن را به وجود آورده و در بقای آن سهیم‌اند، اگرچه هم اجزا و هم کل، ممکن است تغییر یابند. چنین توصیفی تک‌خطی ممکن است درباره خانواده، دولت، موجود زنده یا یک نوع، یک آیین فکری یا یک فلسفه، یک نهاد و یک جامعه و... به کار رود (اسکیدمور، ۱۳۹۲: ص ۱۶۵).

نظریه کارکردگرایی در ساده‌ترین شکل خود این دیدگاه زیست‌شناسی را توصیه می‌کند که جامعه را به عنوان نظامی باز و انطباق‌پذیر نگاه کنیم؛ نظامی که هر یک از اعضایش در جهت حفظ و یکپارچگی جامعه عمل می‌کنند. در واقع، اعضای سازنده یک جامعه، نهادهای مختلف هستند

1. Comte.

2. Spencer.

3. Durkheim.

4. Weber.

5. Parsons, T.

6. Merton. R.

7. Jeffre, Alexander.

و شامل نظام سیاسی، نظام دینی، نظام اقتصادی، سازمان‌های تعلیم و تربیت، نهاد خانواده هستند که ضرورت‌های کارکردی دارند. پارسونز بر این نظر است که ارزش‌های اجتماعی زمینه دینی دارند و مذهب دارای کارکرد در نظام اجتماعی است (parsons, 1965:57).

جامعه‌شناسان اصولاً جامعه را اصل قرار می‌دهند؛ بنابراین، این نظر وجود دارد که کارکردگرایی چون دورکیم، پارسونز، مرتون به برتری و سروری جامعه بر فرد آدمی باور دارند. جامعه‌شناسی این مکتب به دنبال ساختار است. ساختار در سطح جمع معنا پیدا می‌کند و شبکه‌ای از روابط نسبتاً پایدار میان عناصر تشکیل دهنده یک سیستم به شمار می‌رود. براساس دیدگاه آنان، فرد جدا از جامعه، سازمان یافته و دارای ساختار نیست؛ اما گروه افراد واجد ساختارند؛ چون متشخص به شبکه‌ای از روابط هستند نظیر سیستم‌های زیستی و ارگانی (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ص ۳۸). جوهره کارکردگرایی از سوی جامعه‌شناسانی نظیر تالکوت پارسونز و رابرت مرتون به صورت نظریه «کارکردگرایی ساختاری» و از سوی جامعه‌شناسان دیگر نظیر جفری الکساندر با عنوان «کارکردگرایی جدید» با اصلاحاتی مطرح گردید. کارکردگرایی نمرده است؛ بلکه تجدید حیات پیدا کرده (Ritzer, 1988:197) و پارسونز و مرتون و الکساندر آن را ثابت کرده‌اند.

کارکردگرایی ساختاری (ساختی)^۱

جامعه را می‌توان به مثابه یک ماشین فرض کرد که بخش‌های مختلف دارد. این بخش‌ها هرچند به نوعی مستقل هستند؛ ولی کارکرد آن به گونه‌ای است که کل ماشین می‌تواند عمل کند و وظایف خود را انجام دهد. کارکردگرایی ساختاری یا ساختی، نظریه‌ای جامعه‌شناسی است که چگونگی کارکردهای یک جامعه را در سطوح مختلف (از جمله در جامعه و نظام‌های گوناگون نظیر روابط بین نهادها، نهادهای تعلیم و تربیت، دولت‌ها، مذهب) بررسی می‌کند. در بررسی کارکردها ضرورت دارد که ساختارهای مورد توجه محقق قرار گیرد؛ زیرا کارکرد بدون ساختار بسیار انتزاعی و مجرد خواهد بود.

1. Structural Functionalism.

اگرچه نظریه‌ها از انتزاع برخوردارند، کارکردگرایی ساختاری با در نظر گرفتن جهان اجتماعی خارج به صورت واقعیتی ملموس، محکوم روابط کارکردی قابل مشاهده است که با شیوه‌های قانون بنیاد می‌توان به بررسی علمی آن پرداخت. در نیمه اول قرن بیستم، این رویکرد به عنوان پارادایم غالب در تحلیل جامعه‌شناسی توسعه یافت (بوریل و مورگان، ۱۳۹۳: ص ۷۰).

محقق می‌تواند با روش و نظریه کارکردگرایی ساختاری؛ سازمان اجتماعی، مذهب، سازمان‌های سیاسی، دولت‌ها و... را براساس کارکردهایی که انجام می‌دهند، شناسایی کند.

در این تحقیق رسمیت یافتن مذهب شیعه در زمان سلسله صفویان با توجه به زمینه‌ها و کارکرد مورد پژوهش قرار گرفته است. از نظر کارکردگرایی ساختاری، در این پژوهش روابط بین نهادها شامل: نهاد دولت، نهاد مذهب، نهاد روحانیت و نهاد تعلیم و تربیت یک ضرورت است. وجه بارز کارکردگرایی ساختاری این است که درباره کل جامعه مورد مطالعه نظر دارد و در این تحقیق، گفتمان تشیع و تأثیر عمیق آن در محیط و نظام سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در بطن و متن حاکمیت صفویه، مورد پژوهش قرار گرفت.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش کیفی و ژرفانگر است و به صورت تلفیقی از بررسی‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، پژوهش‌های تاریخی با رویکرد جامعه‌شناختی و بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با موضوع، برای تحلیل علل بروز و استقرار مذهب شیعه به عنوان یک مذهب و ایدئولوژی سیاسی در ایران عصر صفوی استفاده شده است.

چارچوب نظری این تحقیق، کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری است. نهادهای مذهبی همیشه محور نظریه‌پردازی‌های کارکردگرایان بوده است؛ زیرا این نهادها فرصتی عالی برای طرح کارکردهای آشکار در جامعه فراهم می‌آورند؛ به گونه‌ای که شاید از عهده نهادهایی مانند خانواده و اقتصاد خارج

باشد. بنابراین به نظر کارکردگرایان، مذهب، کارکردهای بسیار حیاتی دارد (ورسلی، ۱۳۷۸: ص ۴۵).
در بین جامعه‌شناسان، دورکیم دین را به حد اعلا اجتماعی می‌داند (Durkheim, 1938:63).

مفهوم‌شناسی شیعه

در این پژوهش، مفاهیمی همچون تعریف دین، مذهب شیعه، علل رسمیت یافتن تشیع و نقش حکومت صفویه، مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر علامه طباطبایی دین همان روش زندگی است و از آن جدایی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۵: ص ۲۶). در قرآن کریم آیات زیادی درباره دین اسلام و پیامبر اسلام ﷺ آمده است.

تالکوت پارسونز نظریه پرداز کارکردگرایی ساختاری، تکامل نهادهای دینی و روابطشان را با سایر نهادهای دارای مرجعیت، قدرت و ثروت تحلیل می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ص ۲۲۱). جامعه‌شناس آلمانی ماکس وبر، مذهب (پروتستان) را دارای کارکرد قوی در ایجاد روحیه سرمایه‌داری در غرب می‌داند (Weber, 1904:125).

در این مقاله با توجه به دیدگاه‌های بعضی از جامعه‌شناسان، نقش و کارکرد مذهب شیعه در عصر صفویه بررسی شده است. در تبیین مفهوم شیعه نیز بر این نکته تأکید می‌شود که شیعه تاریخی جدا از اسلام و بی‌ارتباط با مبدأ پیدایش آن نیست؛ بلکه اسلام و تشیع در حقیقت دو روی یک سکه و دو نیم‌رخ از یک حقیقت‌اند که هم‌زمان پدید آمده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۶).

علامه طباطبایی بر این نظر است که شیعه در اصل لغت به معنای پیرو است و به کسانی گفته می‌شود که جانشینی پیامبر اکرم ﷺ را حق اختصاصی خانواده رسالت می‌دانند و در معارف، پیرو مکتب اهل بیت هستند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ص ۲۸). منظور از شیعه در این پژوهش، شیعه دوازده‌امامی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تشیع در اصل، خاستگاهی عربی داشته است و ریشه در عصر حضرت محمد ﷺ دارد و ایران پس از گذشت سالیان طولانی در دایره تأثیرگذاری آن قرار گرفته است. در این فرایند، با توجه به متغیرهای موجود در جامعه ایران، زمینه‌ای فراهم شد که مردم از تشیع استقبال کنند. زمانی که علی علیه السلام در رأس حکومت قرار گرفت، گسترش تشیع شروع شد و پس از قرن نخست هجری کانون‌های شیعه در ایران تشکیل شد و در دوران عباسیان پراکندگی شیعیان چشمگیر گردید؛ در قرن دوم هجری قم، خراسان، طبرستان و گیلان و... به آن‌ها افزوده شد (دژاکام، ۱۳۹۴: ص ۶۵).

مجاهدت‌های ۲۵۰ ساله امامان شیعه و نیز وجود حکومت‌های شیعی (نظیر زیدیه و علویان و مرعشیان در طبرستان، آل بویه در دیلم و فارس، طاهریان در خراسان، و آل کیا در گیلان) از عوامل رشد شیعه در ایران بودند. هجرت امام رضا علیه السلام به ایران و مهاجرت امامزادگان و سادات هم موجب رواج شیعه در ایران شد. صفویه آغازگر گرایش اعتقادی شیعه در ایران نبودند؛ بلکه زمینه‌های پذیرش تشیع - ناشی از عوامل مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - در ایران فراهم بود و آنان با استفاده از این ظرفیت‌ها و اعلام رسمیت شیعه، به قدرت سیاسی و دینی دست یافتند.

واژه شیعه، شکل مختصر «شیعه علی»، یعنی پیرو علی بن ابی طالب علیه السلام نخستین امام شیعیان است. مذهب شیعه مبتنی بر تفسیری از قرآن و سنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که از طریق امامان شیعه از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان و تعلیم شده است. بنابراین محور اصلی تشیع، باور به امامت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. وجه مشترک اعتقادات تمام شیعیان، باور به انتصاب علی بن ابی طالب علیه السلام برای جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامت پس از وی است (زارع خورمیزی، ۱۳۹۵: ص ۵۱).

براساس اعتقادات شیعیان، اصول دین علاوه بر توحید، نبوت و معاد دو اصل عدل و امامت نیز هست که اصول دین و مذهب خوانده می‌شود.

تحلیل جامعه‌شناختی علل استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران عصر صفوی

استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران دوران صفویان از دیدگاه جامعه‌شناختی به عنوان یک متغیر وابسته است که در زمینه‌هایی ایجاد شده که تحت عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: ۱. حکومت مقتدر صفوی؛ ۲. ارادت ایرانیان به اهل بیت پیامبر ﷺ؛ ۳. هویت طلبی ایرانیان (تمایز)؛ ۴. نهاد روحانیت شیعه؛ ۵. مهدویت و فلسفه انتظار؛ ۶. اکثریت اهل سنت شافعی؛ ۷. سخت‌گیری حکام اهل سنت؛ ۸. اقتصاد واحد؛ ۹. فرهنگ و تاریخ مشترک ایرانیان؛ ۱۰. رقابت با ترکان عثمانی.

وجود این متغیرها زمینه فراهم کرد تا شاه اسماعیل اول صفوی تصمیم بگیرد مذهب شیعه امامیه را به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام کند و سپس آموزه‌های تشیع در میان مردم سراسر ایران گسترش یابد.

۱. حکومت مقتدر صفوی

از متغیرهای مهم و مستقل در استقرار و قوام مذهب شیعه در ایران، وجود شاه اسماعیل اول صفوی و حکومت مقتدر صفویان بود. شاهان صفوی که به مدد مریدان قزلباش‌ها (سرخ‌کلاهان) آزادی مذهب را به ارمغان آورده بودند، مردم ایران پذیرای حضورشان شدند و خود را رهین منت آن‌ها دانستند و در نظر آنان حکومت صفوی، آسمانی و مقتدر و مطلق بود. این حکومت که بر پایه تصوف و تشیع و سلطنت شکل گرفته بود، در راستای تحقق اهداف خود برخی نهادهای گذشته را کنار زد و به تأسیس نهادهای جدید همت گماشت (طباطبایی فر، ۱۳۸۴: ص ۳۷۵).

صفویان با توجه به قدرت، گستره حکومت سراسری، عقیده مذهبی و ۲۳۰ سال زمامداری، یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین حکومت‌ها در تاریخ ایران به شمار می‌روند. صفویان با تشکیل دولت

مذهبی و ملی در حد قلمرو ساسانیان، و توجه خاص به دین اسلام و مذهب شیعه دوازده امامی و اعلام رسمیت آن در ۹۰۷ ق توسط شاه اسماعیل، چنان تأثیری در تاریخ و مذهب مردم ایران بر جای گذاشت که نتایج آن هنوز تداوم دارد.

شاهان صفوی در ساخت ایدئولوژی دودمان خود، توانستند - به گونه ای که هیچ یک از سلسله های بعدی نتوانستند یا نخواستند - از مجموع فوق العاده متنوعی در هویت سیاسی و فرهنگی و مذهبی استفاده کنند (میچل، ۱۳۹۷: ص ۱۴). اکثر شاهان صفوی از علما و فقها تبعیت می کردند. به عنوان نمونه شاه طهماسب در سال ۹۳۹ ق تحت تأثیر عالم برجسته شیعه، محقق کرکی، از تمام معاصی توبه کرد و به دنبال آن کوشید تا ضمن فرامینی، اجرای امر به معروف و نهی از منکر را رسمی اعلام کند تا از معاصی و مفاسد در سراسر سرزمین تحت سیطره خود جلوگیری کند (جعفریان، ۱۳۹۷: ص ۸۸۶).

۲. ارادت ایرانیان به آل علی علیه السلام

ایرانیان از زمان حیات حضرت محمد صلی الله علیه و آله نسبت به اهل بیت علیهم السلام آن حضرت (شامل حضرت فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان)، علاقه و ارادتی عمیق داشته اند. این علاقه و ارادت از زمان آشنایی سلمان فارسی و سایر ایرانیانی که با این خاندان آشنا شده بودند، آغاز شد و به شهادت تاریخ، تداوم یافت. البته پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز به ایرانیان توجه داشتند و آنان را مورد محبت قرار می دادند. الهمدانی دو روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند: «به ایرانیان دشنام ندهید؛ زیرا آنان اقوام حامی و پشتیبان ما هستند». در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أسعد الناس بالإسلام اهل فارس؛ سعادتمندترین مردم مسلمان، ایرانیان هستند» (همدانی، ۱۳۷۳: ص ۴۰۳).

یکی از عواملی که موجب ترویج تشیع در ایران گردید، ورود و حضور سادات در ایران است. استقبال مردم ایران از سادات - به ویژه در مازندران و گیلان و استرآباد - و احترامی که مردم این

منطقه نسبت به سادات (یعنی فرزندان و ذریه رسول الله) ابراز می‌داشتند، سادات را برای مهاجرت به این مناطق تشویق می‌کرد و می‌توان مازندران را پناهگاه علویان نامید.

چون سادات خبر غدر مأمون که با حضرت رضا (علیه السلام) کرد شنیدند، پناه به کوهستان دیلمستان و طبرستان بردند و بعضی بدانجا شهید گشتند و مزار و مرقد ایشان مشهور و معروف است. چون اصفهبدان مازندران در اوایل که اسلام قبول کردند، شیعه بودند و با اولاد رسول (صلی الله علیه و آله) حسن اعتقاد داشتند، سادات را در این ملک مقام آسان‌تر بود (مرعشی، ۱۳۹۵: ص ۲۷۸).

صفویان با اعلام سیادت خود توجه علما و مردم را به خویش جلب کردند و با عنایت خاص به سادات، به نوعی کسب مشروعیت کردند و به‌ویژه عامه مردم را با خویش همراه کردند. صفویان در کتاب صفوة الصفاسید خوانده شده‌اند، هرچند بعضی نویسندگان مانند احمد کسروی (۱۳۵۵: ص ۴) در آن تشکیک کرده‌اند؛ اما استاد محیط طباطبایی در چند مقاله، این موضوع را بررسی کرده و از نسب سیادت صفویان جانب‌داری کرده است (فرهانی منفرد، ۱۳۹۵: ص ۲۵). سادات در زمان شاهان صفوی، معزز و محترم و مورد اعتنای آنان بودند. در زمان شاه اسماعیل، سادات مناصب متعددی از جمله وزارت، صدارت، احتساب، قضاوت، کلانتری و تولیت را بر عهده داشتند. منصب صدارت نیز در دوران میرسید شریف استرآبادی، صدر شاه اسماعیل، محدود به سادات بود و این رسم تا پایان دوره صفوی ادامه یافت (آقاجری، ۱۳۸۰: ص ۷۴).

۳. هویت‌طلبی ایرانیان

ایرانیان تشیع را به دلیل سازگاری بیشتر با ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خود، با آغوش باز پذیرفتند و در سایه حمایت آن، تلاش کردند هویت فرهنگی و سیاسی خویش را بازسازی و تجدید کنند. در پرتو همین درایت ملی و حمایت ژئوپلیتیک بود که ایرانیان، نخست استقلال خود را در برابر خلافت عربی به دست آوردند و آنگاه از چیره شدن خلافت عثمانی بر ایران و خاور جهان اسلام جلوگیری کردند. به این ترتیب، تشیع با مضامین ملی ایرانیان آمیخته شد؛ هویت ایرانی، در ابتدا

از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های اسلامی تأثیر پذیرفت؛ اما در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش بی‌نظیری ایفا کرد و ایران توانست به‌طور پیروزمندانه، زبان ویژه و بخشی از آیین‌ها و ارزش‌های باستانی خود را حفظ کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ص ۱۸۸).

بدین ترتیب، ایرانیان هویت و تمایز خود را در برابر اعراب نژادپرست و عثمانی‌ها آشکار ساختند. اسلام، استعداد و نبوغ ایرانیان را هم برای خود آنان و هم برای جهانیان به نمایش گذاشت؛ به عبارتی، ایرانی از طریق اسلام خود را کشف و سپس به جهان معرفی کرد (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۳۶۳). برپایی مراسم نوروزی در دربار صفوی و مراسم تعزیه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به وسیله حکومت، دو نمونه بارز از هویت ایرانی محسوب می‌شود. نخستین حکومتی که پس از نه قرن با واقع‌بینی، بازتعریفی از هویت ایرانی عرضه کرد، صفویه بود (ولایتی، ۱۳۹۰: ص ۹۹۶).

۴. نهاد روحانیت

نهاد روحانیت، در عصر صفویان از احترام و اکرام برخوردار بود. در این امور ساداتی که از علما بودند از احترامی مضاعف برخوردار بودند و مناصب مذهبی و سیاسی (مانند صدارت و تولیت و امامت جمعه) را در اختیار داشتند. از آنجایی که صفویه، مروج و مبلغ مذهب شیعه بود، طبعاً علمای شیعه نیز بسیار مورد توجه قرار می‌گرفتند و این باعث شد که علما در امور اجتماعی و سیاسی مملکت نقش مهمی ایفا کنند. از آنجا که شاه طهماسب اول و شاه سلطان حسین در میان شاهان صفوی، توجه ویژه‌ای به جنبه‌های شریعت شیعه اثناعشری داشتند و به مسائل غالی‌گری و صوفی‌گری اهمیت نمی‌دادند، نفوذ علما در دوران آنان به اوج خود رسید (نوائی و غفاری فرد، ۱۳۹۴: ص ۳۰۲).

دربارهٔ اختیارات مجتهد جامع‌الشرایط در عصر صفویه، انگلبرت کمپفر آلمانی که در عصر صفویه به ایران آمد، در سفرنامه‌اش نوشت: «... مجتهد نسبت به جنگ و صلح تصمیم می‌گیرد

و بدون صلاح‌دید وی هیچ کار مهمی در زمینه حکومت بر مؤمنان انجام نمی‌پذیرد» (کمپفر، ۱۳۶۳: ص ۱۲۵). صفویان پس از پیروزی و اعلام رسمیت یافتن شیعه، نیاز به علما و فقهای معتبر و مجتهدین جامع‌الشرایط و مبلغان چیره‌دست داشتند که در کنار قدرت و جدیت شاه اسماعیل بتوانند متون مورد نیاز حوزه‌های علمیه را تأمین کنند؛ بنابراین فقیهان از بلاد شیعی خارج از ایران از جمله جبل عامل به ایران فراخوانده شدند.

همه عالمان، از محقق کرکی گرفته که رساله‌های زیادی را در فقه شیعه تألیف کرد و شاگردان بسیاری را پروراند تا علامه محمدباقر مجلسی که گفته‌اند تنها رساله حق‌الیقین او هفتاد هزار تن از سنیان را به مذهب تشیع درآورد، در این روند سهم و نقش بسیار داشتند و به شیوه‌های گوناگون در پیشبرد و توسعه تشیع کمک کردند (فرهانی منفرد، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷).

فرصت به دست آمده در عصر صفوی، علما و فقها را ترغیب کرد که درباره نقش و کارکرد فقهای شیعه در غیبت امام دوازدهم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تحقیق و نظریه‌پردازی کنند. بررسی‌های تاریخی و مذهبی نشان می‌دهد که سنگ بنای نظریه ولایت فقیه در زمان علامه کرکی و مجلسی نهاده شد. جعفر عبدالرزاق نوشته است:

هنگامی که شاه طهماسب اول در سال ۱۵۲۴ میلادی بر کرسی سلطنت تکیه زد، محقق کرکی را مورد خطاب قرار داد و این چنین گفت: شما در حاکمیت بر مردم از من سزاوارترید؛ چرا که نایب امام زمان هستید و من مجری فرمان شما هستم. شاه طهماسب مناصب مهمی را در امور مالی و اداری حکومت علاوه بر امور تبلیغ و مساجد به محقق کرکی واگذار کرد. محقق کرکی پس از دریافت این حکم، در هر شهر و روستایی امام جمعه و جماعت منصوب کرد (عبدالرزاق، ۱۳۸۰: ص ۱۳).

۵. مهدویت در عصر صفوی

در زمان صفویه، موضوع مهدویت و انتظار از سوی حکومت و فقها مورد توجه خاص قرار گرفت. این نظریه دینی-سیاسی که ریشه در امامت شیعی دارد، موجب اختیارات وسیعی برای فقها

در عصر غیبت گردید. در این دوران، دیدگاه فقه شیعه درباره مسئله ولایت و حکومت دچار تحول شد و به تدریج شکل و جهت‌گیری نوینی پیدا کرد که بر دخالت هرچه بیشتر فقها در امور حکومتی تأکید داشت.

ادعای سیادت پادشاهان صفوی، رسمی شدن مذهب تشیع در ایران و اهتمام سلاطین صفوی به امور دینی و مذهبی از یک سو، و تحکیم پایه‌های وحدت ملی، تمامیت ارضی و استقلال ایران از سوی دیگر، باعث شد که علما در این دوره بر دو نکته تأکید کنند: نخست، غیبت امام و در دسترس نبودن ایشان و اهمیت حکومت برای مسلمانان و دوم، ظهور حاکمانی که به امامیه اعتقاد داشتند. با توجه به این دو نکته، می‌توان شرایطی ایجاد کرد که سلطان مشروع امکان‌پذیر شود (طباطبایی فر، ۱۳۸۴: ص ۶۳). صفویان از تمام ظرفیت مکتب تشیع از جمله مهدویت برای تأسیس یک نظام دینی-سیاسی بهره بردند.

۶. اکثریت اهل سنت شافعی

در گذشته، اهل سنت اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند؛ اما به تدریج و به دلایل گوناگون مذهبی و تاریخی و سیاسی، اکثریت مردم مذهب تشیع را انتخاب کردند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شافعی‌ها به دلایل مختلف، اکثریت بودند و پس از آنان، حنفی‌ها از جمعیت قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. با این حال تلاش‌های شیعیان امامی و اسماعیلیه، خلافت عباسی را با بحران روبه‌رو ساخت و با فروپاشی خلافت عباسیان به دست مغولان، تشیع رو به رشد و فزونی نهاد. با توجه به اینکه امام شافعی و ابوحنیفه درباره اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام ارادت خویش را نشان دادند، بسیاری از پیروانشان در ایران تشیع را پذیرفتند. رازی قزوینی نوشته است:

معلوم جهانیان است که بزرگان و معتبران ائمه فریقین از اصحاب امام مقدم بوحنیفه و امام مکرم شافعی و علما و فقه‌های طوایف خلفا عن سلف این سنت را رعایت کرده‌اند و این طریقت را

نگاه داشته، اولاً خود شافعی که اصل است و مذهب بدو منصوب است. بیرون از مناقب او را در حسین و شهدای کربلا مرثی بسیار است... و مرثی شهدای کربلا که اصحاب بوحنیفه و شافعی راست، بی عدد و بی نهایت است... (رازی قزوینی، ۱۳۵۸: ص ۳۷۰).

در قرن پنجم و ششم، دیدگاه ستیان بسیاری از شهرهای ایران به نفع شیعه تغییر کرد. این زمینه در تسنن ایران به تدریج راه را برای رشد تشیع هموار کرد (جعفریان، ۱۳۹۷: ص ۵۳۰). شاه اسماعیل اول صفوی از فضای به وجود آمده در جامعه ایران استفاده کرد و رسمیت مذهب شیعه را اعلام کرد.

۷. سخت‌گیری حکام اهل سنت

تاریخ گواهی می‌دهد که خواجه نظام‌الملک که خود شافعی مذهب و اشعری بود، به شیعیان مجال و فرصت کار نمی‌داد و از دشمنان سرسخت اسماعیلیان بود؛ اما پس از درگذشت نظام‌الملک، گشایشی در وضع شیعیان به وجود آمد. در حقیقت، یکی از اهداف اصلی مدارس نظامیه (نظام‌الملک) «بازتولید اقتدار» و دفاع و توسعه سیاست سنی (اعم از خلافت عباسی و سلطنت سلجوقی) در مقابل نهضت نامرئی شیعه بود (فیرحی، ۱۳۷۸: ص ۲۵۸).

نظام‌الملک، وزیر سلجوقیان، نوشته است: «و اگر سلطان طغرل و سلطان آلب ارسلان یا هیچ‌گونه بشنیدندی که امیری، رافضی‌ای را به خویشان راه داده است با او عتاب کردند و خشم گرفتندی» (نظام‌الملک، ۱۳۶۴: ص ۲۱۵).

اقدام مغولان در فروپاشی حکومت ۵۵۰ ساله عباسیان مسیر رشد و ترویج مذهب شیعه را برای شیعیان گشود و در زمان حکومت صفویان به اوج رسید.

عثمانی‌ها به‌ویژه سلطان سلیم یاوز در سرکوب شیعیان در قلمرو عثمانی و جنگ با صفویان از هیچ شقاوتی فروگذار نکردند. به فرمان سلیم یاوز حدود چهل هزار شیعه در آناتولی شرقی قتل عام شدند و در این زمان کوچ‌های اجباری و قتل عام‌های متعدد عثمانی‌ها باعث ازهم‌پاشیدگی خانواده‌های شیعیان شد (زارع خورمیزی، ۱۳۹۵: ص ۳۷۳).

به هر تقدیر، شیعیان به‌رغم سخت‌گیری‌های حاکمان سنی‌مذهب توانستند در مسیر دشوار تاریخ با تلاش علمای شیعه و فداکاری‌های فراوان و خونین سرانجام در آغاز تأسیس حکومت صفویان شاهد اعلام رسمیت مذهب شیعه در ایران باشند.

۸. اقتصاد واحد

اقتصاد واحد ملی در عصر صفویه از ویژگی‌های خاص برخوردار بود که در زمان شاه‌عباس کبیر به اوج خود رسید. در این عصر شکل‌گیری اقتصاد ملی براساس سه بخش متمایز شهری، روستایی و شبانکاره (عشایری) تشکیل می‌شد (Foran, ۱۹۹۳: ۶۱).

اقتصاد سیاسی ایران هرگز (مانند اروپا) فئودالی نبوده است. مالکیت خصوصی (به‌ویژه بر زمین) سست و ناپایدار بود و بر پایه اشکال گوناگون تیولداری قرار داشت که در آن، ملک به‌عنوان یک امتیاز نظامی-دیوانی به افراد واگذار می‌شد، نه اینکه به‌عنوان یک حق اریستوکراتیک پذیرفته شود. به همین دلیل و به‌دلایلی دیگر مالکیت خصوصی نمی‌توانست پایدار بماند یا تمرکز یابد. خود دولت، مالک بخش مهمی از زمین‌های کشاورزی بود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ص ۷۲).

در عصر صفویه بخش اعظمی از مردم (بیش از نیمی از جمعیت) در روستاها زندگی می‌کردند و کشاورزی از رونق برخوردار بود. پایه‌های اقتصادی دوره صفویه بر گله‌داری و کشاورزی استوار بود. مردم ایران غالباً کشاورز و ساکن روستاها بودند و گله‌داران بیشتر ایلات محسوب می‌شدند و به ییلاق و قشلاق می‌پرداختند (سیوری، ۱۳۹۶: ص ۱۶۷).

بازرگانی و تجارت خارجی در زمان صفویان به‌ویژه شاه‌عباس اول، بخش مهم اقتصاد ایران را تشکیل می‌داد. در این دوره عمده اقلام صادراتی ایران شامل ابریشم و فرش و پارچه بوده است. با این حال روابط خوب ایران و اروپا در این دوره، رونق تجارت خارجی را در پی داشته است (زرین‌کوب، ۱۳۵۷: ص ۸۵). شکوفایی اقتصاد ملی، به‌ویژه در عصر شاه‌عباس، رفاه نسبی برای

مردم فراهم آورد که مورد تمجید خارجی‌ان نیز قرار گرفت و در عین حال، به ترویج باورها و عقاید شیعه، رونق حوزه‌های علمیه و پویایی فعالیت علما انجامید.

۹. فرهنگ و تاریخ مشترک ایرانیان

فرهنگ ایرانی، هویت ملی و تاریخ مشترک ایرانیان را در ابعاد مختلف تشکیل می‌دهد. در عصر صفویان، مسلمان شیعه ایرانی فارسی زبان، هویت ترکیبی جدیدی یافته است که همه ایرانیان در این ویژگی‌های نوین سهیم هستند. ایرانیان تشیع را که هماهنگی بیشتری با ارزش‌های فرهنگی و سنتی ایشان داشت، با آغوش باز پذیرفتند و در سایه حمایتش کوشیدند، هویت فرهنگی و سیاسی خود را تجدید کنند. در پرتو همین حمایت ژئوپلیتیک بود که ایرانیان، نخست استقلال خود را در برابر خلافت عربی به دست آوردند و آن‌گاه از چیره شدن خلافت عثمانی بر ایران و خاور جهان اسلام جلوگیری کردند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ص ۱۸۸). آنچه گذشت نشان می‌دهد که مکتب تشیع، هویت ایرانیان را غنی و قوی کرده و موجب پویایی آن شده است.

۱۰. رقابت ایران و عثمانی

رقابت‌های ایران و عثمانی، به‌ویژه در عرصه‌های مذهبی در دوران صفویان، نقطه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران محسوب می‌شود. تأسیس دولت قدرتمند صفوی و رهبری شاه اسماعیل، که پایبندی کامل به اصول و مبانی مذهب شیعه داشت، برای سلاطین عثمانی غیرقابل تحمل بود. ژئوپلیتیک شیعه در واقع محدود به ابتکار شگفت‌انگیز شاه اسماعیل صفوی در رسمیت بخشیدن به تشیع در ایران است؛ ابتکاری که به عنوان عاملی ایکونوگرافیک^۱ و شکست‌ناپذیر، نه تنها مانع پیشروی سیاسی عثمانی در خاور جهان اسلام تحت عنوان خلافت شد؛ بلکه پس

1. Iconographic.

از قرن‌ها، ایران و ملت آن را از دل تاریخ بیرون کشید و واقعیتی پُرخروش و پایان‌ناپذیر در عرصه جغرافیای سیاسی پدید آورد (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ص ۲۰). شاه اسماعیل، پس از دوره ساسانیان و حکومت‌های عربی و ترکی در فلات ایران، گامی راهبردی برداشت و حکومتی ایرانی، گسترده همچون دوران ساسانی، بر پایه تمدن و فرهنگ ایرانی و مذهب شیعه پایه‌گذاری کرد. نتیجه آنکه متغیرهای مستقل ده‌گانه‌ای که اجمالاً بررسی شد، با تأثیرات خود، متغیر وابسته‌ای را ایجاد کردند که نتیجه آن استقرار و قوام مذهب شیعه در عهد صفوی بوده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

براساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، کارکردهای جامعه عصر صفویه در روابط بین نهاد مذهب و نهاد قدرت در سطوح مختلف مدنظر قرار گرفت. در بررسی این کارکردها، ساختارها که در واقع شبکه‌ای از روابط نسبتاً پایدار هستند، میان عناصر متشکل از حکومت صفویان و روابط بین نهاد روحانیت شیعه و نهاد سیاسی و قدرت در لایه‌های گوناگون، مطرح شد.

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، اگر متغیرهای مستقل ده‌گانه کارکرد مؤثری نداشتند، متغیر وابسته (یعنی رسمیت یافتن شیعه در سراسر ایران در میان اکثریت مذاهب اهل سنت) تحقق نمی‌یافت. حکومت مقتدر صفویان به عنوان مهم‌ترین متغیر مستقل، با اعلام قاطع رسمیت تشیع، تمامی زمینه‌های لازم برای نهادینه شدن آن را فراهم آورد.

نهاد مذهب شیعه که در ورای آن علمای طراز اول شیعه قرار داشتند، در ساختار حاکمیت سیاسی صفویه، نقش مؤثری داشت. علما و فقهای شیعه پس از اعلام رسمیت یافتن تشیع در ایران از سوی شاه اسماعیل، به ترویج و تقویت مبانی شیعه پرداختند و عالمانی مانند محقق کرکی از لبنان به سوی ایران مهاجرت کردند تا نهاد مذهبی شیعه را تقویت کنند. با استفاده از ظرفیت‌های شریعت، فقه، اجتهاد و گفتمان تشیع در عصر صفویه، نهادی تأسیس شد که

روز به روز با قدرت گرفتن فعالیت‌های فقها و حوزه‌های علمیه، این نهاد قوی‌تر و تأثیرگذارتر شد. با رسمیت یافتن تشیع در ایران به دست فقها و حکومت صفوی، فلسفه مهدویت و مسئله ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه‌ای فراهم آورد تا موضوع نیابت امام دوازدهم از سوی فقها به طور جدی تقویت و به صورت منسجم نظریه‌پردازی شود. رسمیت تشیع در ایران، با اتکای هم‌زمان به اندیشه و قدرت شاه اسماعیل اول صفوی، به شکل‌گیری گفتمان تشیع و همکاری متقابل میان نهاد مذهب شیعه و ساختار قدرت انجامید و در پی آن، تشیع و حوزه‌های علمیه و جایگاه فقها و علمای شیعه استحکام یافت.

نظام سیاسی صفویه و اجتهاد شیعی از عناصر و متغیرهای جامعه‌شناختی برخوردار بوده است که موجب نهادینه شدن مذهب شیعه در ایران شد و این متغیرهای ساختی که در بطن و متن جامعه ایران نهفته بود، به یاری صفویان آمد و رواج تشیع را میسر کرد. مذهب شیعه، گفتمان و ساختاری داشت که در تعامل با ساختار و قدرت نظام سیاسی صفویان، سازگاری لازم را از خود نشان داد؛ بنابراین کارکرد ساختاری دو نظام سیاسی و مذهبی، موجب نهادینه شدن مذهب شیعه در گستره وسیع سرزمین ایران گردید.

در نتیجه، با وجود ده متغیر مستقل -از جمله وجود حکومت مقتدر، ارادت ایرانیان به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، هویت طلبی ایرانیان، نقش نهاد روحانیت و گفتمان اجتهاد، باور به مهدویت، حضور اکثریت شافعی، فرهنگ و تاریخ مشترک و رقابت با ترکان عثمانی - کارکردی مؤثر شکل گرفت که در نهایت به نهادینه شدن مذهب شیعه و استقرار و قوام آن به عنوان هویت اکثریت ایرانیان انجامید و مسیر سیاست و مذهب در ایران را دگرگون ساخت.

می‌توان گفت این روند، حاصل نظریه‌پردازی‌های فقهایی چون محقق کرکی و علامه مجلسی بوده است که با پیروزی انقلاب اسلامی، به وسیله امام خمینی ره تکمیل گردید و در نهایت، به طراحی و تحقق نظامی با عنوان «جمهوری اسلامی ایران» انجامید.

پیشنهادهای

تحلیل جامعه‌شناسانه استقرار و قوام مذهب شیعه در عصر صفوی این ظرفیت را دارد که جنبه‌ها و ابعاد مختلف موضوع تشیع در دوران صفویان مورد بررسی محققان قرار گیرد. در این زمینه پیشنهاداتی مطرح می‌شود:

۱. ارتباط بین دین و دولت در عصر صفویان موضوع مهمی است که نیاز به تحقیقات مستند و گسترده‌تر دارد. علما و فقهای شیعه نظیر محقق کرکی و علامه مجلسی و مقدس اردبیلی متون قابل توجهی تولید کردند و در کارکرد نهاد دین در دولت به صورت نظری و علمی دخیل بودند.
۲. درباره چگونگی اعلام و رسمیت یافتن و رواج شیعه در دوران صفوی نیاز به تحقیق بیشتری وجود دارد.
۳. از سوی مراکز تحقیقاتی جهان درباره اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی تحقیقاتی صورت گرفته که نیاز به بررسی و نقد پیشنهادهای اصلاحی دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که این آثار که خالی از اشکال نیستند، مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار گیرند.

منابع

قرآن کریم.

- اسکندر، بیک منشی (۱۳۷۷)، تاریخ عالم‌آرای عباسی (سه جلد)، تهران: امیرکبیر.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۹۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آقاجری، هاشم (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در عصر صفوی، تهران: طرح نو.
- بوریل گیبسون و مورگان، گارت (۱۳۹۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۷)، تاریخ ایران از آغاز اسلام تا پایان صفویان، تهران: نشر علم.

- دژاکام، علی (۱۳۹۴)، شیعه شناخت، تهران: دفتر نشر.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۲)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه محمدعلی کاروان، تهران: دانشگاه تهران.
- رازی قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، النقص، تصحیح: میرجلال‌الدین حسینی، تهران: انجمن آثار ملی.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تبیان.
- زارع خورمیزی، محمدرضا (۱۳۹۵)، نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه، تهران: مؤسسه مشعر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، روزگاران جدید، تهران: دنیای سخن.
- ساعی، ایرج (۱۳۹۵)، مهارت‌های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی، تهران: بهمن برنا.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۹)، منشور عقاید امامیه، قم: انتشارات امام صادق (ع).
- سیوری، راجر (۱۳۹۶)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز کریمی، چ ۲۷، تهران: نشر مرکز.
- شریعتی، علی (۱۳۵۶)، تشیع صفوی و تشیع علوی، تهران: حسینیه ارشاد.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۵)، شیعه در اسلام، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی‌فر، سیدمحسن (۱۳۸۴)، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، تهران: نشر نی.
- عبدالرزاق، جعفر (۱۳۸۰)، علمای اسلام، فقه سیاسی و عملکرد سیاسی، ترجمه سیدمحسن سادات حسینی، قم: مؤسسه امام خمینی (ع).
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۹۵)، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، تهران: امیرکبیر.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده در تاریخ تحولات اجتماعی، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۰)، ایران جامعه کوتاه مدت، ترجمه عبدالله کلانتری، تهران: نشر نی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۵)، شیخ صفی و تبارش، تهران: انتشارات فردوس.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷)، دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: کویر.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیر تهران، تهران: اطلاعات.
- مرعشی، سیدظهیرالدین (۱۳۹۵)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تهران: دنیای کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا.

- میچل، کالین (۱۳۹۷)، سیاست‌ورزی در ایران عصر صفوی، ترجمه حسین افشار، تهران: فرهنگ جاوید.
- نظام‌الملک، خواجه (۱۳۶۴)، سیاست‌نامه، تهران: روزبه.
- نوائی، عبدالحسین؛ غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۹۴)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت.
- ویر، ماکس (۱۳۸۷)، اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری، تهران: سمت.
- ورسلی، پیترو (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: تبیان.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- همدانی، اسحاق بن محمد (۱۳۷۳)، سیرت رسول الله ﷺ، ویرایش: مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز.
- Berger, P. L. (1963). *Invitation to sociology: A humanistic perspective*. New York, NY: Doubleday.
- Durkheim, E. (1938). *The rules of sociological method*. New York, NY: Free Press.
- Foran, J. (1993). *Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. Santa Barbara, CA: Westview Press.
- Parsons, T., et al. (1965). *Theories of society*. New York, NY: Free Press.
- Ritzer, G. (1988). *Sociological theory*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Turner, B. S. (2016). *Social theory*. Hoboken, NJ: Blackwell Publishing.
- Weber, M. (1904). *The Protestant ethic and the spirit of capitalism*. New York.

References

Persian and Arabic Sources

The Holy Qur'an

'Abd al-Razzāq, Ja'far. 1380 Sh. *'Ulamā-yi Islām, Fiqh-i Sīyāsī wa 'Amalkard-i Sīyāsī*.

Translated by Sayyid Muḥsin Sādāt-Ḥusaynī. Qom: Mu'assasa-yi Imām Khomeinī (RA).

Āghājārī, Hāshim. 1380 Sh. *Muqaddimāt bar Munāsebāt-i Dīn wa Dawlat dar 'Aṣr-i Ṣafavī*.

Tehran: Tarḥ-i Now.

Burrell Gibson, and Gareth Morgan. 1393 Sh. *Naẓariyaha-yi Kalān-i Jāmi'a-Shinākhtī*.

Tehran: SAMT.

Dizhākam, 'Alī. 1394 Sh. *Shī'a-Shinākht*. Tehran: Daftar-i Nashr.

- Durkheim, Émile. 1382 Sh. *Qawā'id-i Ravesh-i Jāmi'a-Shināsī*. Translated by Muḥammad 'Alī Kārvān. Tehran: Dānishgāh-i Tehrān.
- Eskandar Beg Monshī, 'Alī. 1377 Sh. *Tārīkh-i 'Ālam-Ārā-yi 'Abbāsī*. 3 vols. Tehran: Amīrkabīr.
- Farhānī Monfared, Mahdī. 1395 Sh. *Muhājirat-i 'Ulamā-yi Shī'a az Jabal 'Āmil bih Īrān*. Tehran: Amīrkabīr.
- Fayrāhī, Dāvūd. 1378 Sh. *Qudrat, Dānesh wa Mashrū'iyyat dar Islām*. Tehran: Nashr-i Ney.
- Foran, John. 1378 Sh. *Muqāwimat-i Shikananda dar Tārīkh-i Taḥawwulāt-i Ijtimā'ī*. Translated by Aḥmad Tadīn. Tehran: Rasa.
- Hamadānī, Ishāq b. Muḥammad. 1373 Sh. *Sīrat Rasūl Allāh (SAWA)*. Edited by Modarres Ṣādiqī. Tehran: Nashr-i Markaz.
- Ja'farīyān, Rasūl. 1389 Sh. *Ṣafaviyya dar 'Arṣa-yi Dīn, Farhang wa Sīyāsāt*. Qom: Pazhūheshgāh-i Ḥawza wa Dānishgāh.
- Ja'farīyān, Rasūl. 1397 Sh. *Tārīkh-i Īrān az Āghāz-i Islām tā Payān-i Ṣafaviyyān*. Tehran: Nashr-i 'Ilm.
- Kämpfer, Engelbert. 1363 Sh. *Safar-Nāma-yi Kämpfer*. Translated by Keykāwūs Jahāndārī. Tehran: Khwārazmī.
- Kasravī, Aḥmad. 1355 Sh. *Shaykh Ṣaḡfī wa Tabārash*. Tehran: Intishārāt-i Firdaws.
- Kātūziyān, Muḥammad 'Alī Humāyūn. 1390 Sh. *Īrān Jāmi'a-yi Kūtāh-Muddat*. Translated by 'Abd Allāh Kalāntarī. Tehran: Nashr-i Ney.
- Mar'ashī, Sayyid Ṣaḥīr al-Dīn. 1395 Sh. *Tārīkh-i Ṭabarestān wa Rūyān wa Māzandarān*. Tehran: Dunyā-yi Kitāb.
- Mitchell, Colin. 1397 Sh. *Sīyāsāt-Warzī dar Īrān-i Aṣr-i Ṣafavī*. Translated by Ḥusayn Afshār. Tehran: Farhang-i Jāvīd.
- Mohsenī Tabrizī, 'Alī-Rezā. 1395 Sh. *Ravesh-i Taḥqīq-i Kayfī dar Makātib-hā-yi Tafṣīr-i Tehrān*. Tehran: Ittilā'āt.
- Mojtahedzādeh, Pīrūz. 1387 Sh. *Dimūkrāsī wa Huwīyyat-i Īrānī*. Tehran: Kavīr.
- Moṭahharī, Murtazā. 1362 Sh. *Khadamāt-i Mutuqābil-i Islām wa Īrān*. Tehran: Ṣadrā.
- Navā'ī, 'Abd al-Ḥusayn, and 'Abbāsqolī Ghafārī-Fard. 1394 Sh. *Tārīkh-i Taḥawwulāt-i Sīyāsī, Ijtimā'ī, Iqtisādī, Farhangī-yi Īrān dar Daurān-i Ṣafavī*. Tehran: SAMT.
- Nizām al-Mulk. 1364 Sh. *Sīyāsāt-Nāma*. Tehran: Rūzbeh.
- Rāzī Qazvīnī, 'Abd al-Jalīl. 1358 Sh. *Al-Naqd*. Edited by Mīr Jalāl al-Dīn Ḥusaynī. Tehran: Anjuman-i Āsār-i Millī.

- Rouché, Guy. 1376 Sh. *Jāmi 'a-Shināsī-yi Talcott Parsons*. Translated by 'Abd al-Ḥusayn Nīk-Gohar. Tehran: Tabyān.
- Sā'ī, Īraj. 1395 Sh. *Mahārat-hā-yi Niwishtārī-yi Pizhūhish dar 'Ulūm-i Ijtimā'ī*. Tehran: Bahman Bornā.
- Savory, Roger. 1396 Sh. *Īrān dar 'Aṣr-i Ṣafavī*. Translated by Kāmbīz Karīmī. 27th ed. Tehran: Nashr-i Markaz.
- Sharī'atī, 'Alī. 1356 Sh. *Tashayyu 'i Ṣafavī wa Tashayyu 'i 'Alavī*. Tehran: Ḥusayniyya-yi Irshād.
- Skidmore, William. 1392 Sh. *Tafakkur-i Nazarī dar Jāmi 'a-Shināsī*. Translated by a group of translators. Tehran: Pazhūheshgāh 'Ulūm wa Farhang-i Islāmī.
- Subḥānī, Ja'far. 1389 Sh. *Manshūr-i 'Aqā'id-i Imāmiyya*. Qom: Intishārāt-i Imām Šādiq (AS).
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1395 Sh. *Shī'a dar Islām*. Qom: Būstān-i Kitāb.
- Ṭabāṭabā'ī-Far, Sayyid Muḥsin. 1384 Sh. *Niẓām-i Sulṭānī az Dīdgāh-i Andīsha-yi Sīyāsī-yi Shī'a*. Tehran: Nashr-i Ney.
- Tavassolī, Gholām 'Abbās. 1369 Sh. *Nazariyaha-yi Jāmi 'a-Shināsī*. Tehran: SAMT.
- Velāyatī, 'Alī Akbar. 1390 Sh. *Pūyā'ī-yi Farhang wa Tamaddun-i Islām wa Īrān*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Weber, Max. 1387 Sh. *Akhlāq-i Protestānī wa Rūhiyya-yi Sarmāyadārī*. Tehran: SAMT.
- Worsley, Peter. 1378 Sh. *Nazm-i Ijtimā'ī wa Nazariyaha-yi Jāmi 'a-Shināsī*. Translated by Sa'īd Mu'īdfar. Tehran: Tabyān.
- Zāre' Khormīzī, Muḥammad Ridā. 1395 Sh. *Nasl-Kushī-yi Sādāt wa Musalmānān-i Shī'a*. Tehran: Mu'assasa-yi Mash'ar.
- Zarrīn-Kūb, 'Abd al-Ḥusayn. 1375 Sh. *Rūzgārān-i Jadīd*. Tehran: Dunyā-yi Sokhan.

English Sources

- Berger, Peter L. 1963. *Invitation to Sociology: A Humanistic Perspective*. New York: Doubleday.
- Durkheim, Émile. 1938. *The Rules of Sociological Method*. New York: Free Press.
- Foran, John. 1993. *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*. Santa Barbara, CA: Westview Press.
- Parsons, Talcott, et al. 1965. *Theories of Society*. New York: Free Press.
- Ritzer, George. 1988. *Sociological Theory*. New York: McGraw-Hill.
- Turner, Bryan S. 2016. *Social Theory*. Hoboken, NJ: Blackwell.
- Weber, Max. 1904. *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. New York.